

بسم الله الرحمن الرحيم

ماہ شعبان

tasnimnews.com

الف) آداب و اعمال ماه شعبان

خداوند نور ماه شعبان را به گونه‌ای خاصیت بخشید تا مسیر تزکیه و پالایش روح مؤمنین فراهم‌تر از سایر ایام سال و مستعد ورود به حریم قرب خداوند در ماه رمضان شود. زدودن کینه و کدورت‌ها از دل، جلب رضایت والدین، صلۀ رحم و هر آنچه که سبب پالایش قلب از ناجوری‌ها، قساوت‌ها، رذالت‌ها و امراض می‌شود، از جمله تأکیدات روایات عترت در باب آداب معنوی این ماه است. از دیگر ویژگی‌های این ماه باز شدن ابواب خیر است، همچنان که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود «وَشَهْرُ شَعْبَانَ تَتَشَعَّبُ فِيهِ الْخَيْرَاتُ»؛ یعنی ماه شعبان ماهی است که در آن خیرات منشعب و پراکنده می‌شود.

آداب و اعمال متعدد این ماه که از سوی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام صادر شده است، در راستای بهره‌مندی بیشتر از این خیرات است.

سخنی از میرزا جواد ملکی تبریزی

میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب «المراقبات» خویش درباره فضیلت ماه شعبان می‌گوید «این ماه برای سالک الی الله بسیار با ارزش است. یکی از شب‌های قدر در این ماه قرار دارد و کسی در آن متولد شده که خداوند به واسطه او وعده پیروزی به تمام دوستان، پیامبران و برگزیدگانش — از زمانی که پدر ما حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) در زمین ساکن شده — داده است. وعده داده، بوسیله او، بعد از پر شدن زمین از ظلم و جور، آن را پر از قسط و عدل کند — که در جای خود بطور مفصل به آن خواهیم پرداخت و از مقام آن همین بس که ماه رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و حضرتش فرمود «شعبان شهری؛ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى شَهْرِ شَعْبَانَ ماه من است، خداوند کسی را که مرا در ماهم یاری کند، بیامرزد.»

کسی که از این دعوت بزرگ آگاه شود، باید بکوشد که از دعوت شدگان این دعوت شود. این جانشین و برادر او امیرالمؤمنین است که می‌فرماید «مَا فَاتَنِي صَوْمُ شَعْبَانَ مُنْذُ سَمِعْتُ مُنَادِي رَسُولِ اللَّهِ يُنَادِي فِي شَعْبَانَ فَلَنْ يَفُوتَنِي أَيَّامَ حَيَاتِي صَوْمُ شَعْبَانَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؛ از زمانی که ندای منادی رسول خدا صلی الله علیه و آله را که برای روزه این

ماه ندا می کرد شنیدم، هیچ گاه روزه این ماه را از دست نداده و در تمام عمرم آن را از دست نخواهم داد؛ اگر خدا بخواهد.»

آداب و اعمال مشترک:

۱. استغفار: هر روز هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ وَ هَمَجْنِينَ** هر روز هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ**. از روایات مستفاد می شود که بهترین دعاها و ذکرها در این ماه استغفار است و هر که هر روز از این ماه هفتاد مرتبه استغفار کند مثل آن است که در ماه های دیگر هفتاد هزار استغفار کند.

۲. صدقه: تصدق کند در این ماه اگرچه به نصف دانه خرمایی باشد تا حق تعالی بدن او را بر آتش جهنم حرام کند.

۳. ذکر: در تمام این ماه هزار بار بگوید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** که ثواب بسیار دارد از جمله آنکه عبادت هزار ساله در نامه عملش بنویسند.

۴. صلوات: در این ماه صلوات بسیار فرستد. **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم**

۵. صلوات امام زین العابدین(ع): در هر روز از شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن صلوات شعبانیه را بخواند.

۶. مناجات شعبانیه: این مناجات مرویه از ابن خالویه را که نقل کرده، بخواند. وی گفته این مناجات حضرت امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان او علیهم السلام است که در ماه شعبان می خواندند: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ ...**

* مناجاتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام، اهتمام خاصی به قرائت آن داشتند و از مناجات های جلیل القدر ائمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیه مشتمل است و در هر وقت که حضور قلبی باشد خواندن آن مناسب است (مفاتیح الجنان، فصل دوم، در اعمال ماه شعبان) این مناجات، مناجاتی با مضامین و عبارات عالی عرفان اصیل اسلامی است که اوج نجوا و دلال انسان کامل صاحب عصمت علیه السلام را با حقیقت مطلق نظام هستی تبیین می کند.

ب) شرح صلوات شعبانیہ

ماه شعبان از نورانی‌ترین و پرفضلیت‌ترین ماه‌های سال و فرصتی جهت تزکیه روح برای ورود به ماه مبارک رمضان شمرده می‌شود؛ آداب و اعمال متعدد این ماه که از سوی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام صادر شده است، در همین راستا قرار دارد. یکی از این اعمال، صلواتی منسوب به امام سجاد علیه‌السلام است که با نام «صلوات شعبانیه» شناخته می‌شود. شیخ طوسی در مصباح‌المتهدجد نقل کرده است که آن امام بزرگوار در هر روز ماه شعبان هنگام زوال و نیز در شب نیمه شعبان این صلوات را می‌خوانده است.

در این دعا عبارت صلوات چندین بار تکرار شده است. دعاکننده از خداوند می‌خواهد که درود خویش را بر حضرت محمد و خاندان او نازل کند. آنچه در صلوات شعبانیه آمده، بیشتر تأکید بر جایگاه اهل بیت پیامبر و امامان شیعه است. اهل بیت، گنجینه علم، محل رفت و آمد فرشتگان، جایگاه رسالت الهی و محل نزول وحی هستند. این انوار مقدس همچون کشتی نجات در موج‌های سهمگین هستند که هر کس به آن متمسک شود، نجات می‌یابد و هر کس از آن باز ماند، غرق خواهد شد.

در این متن، به شرح فrazهایی از این صلوات شریف پرداختیم که طی ۵ شماره می‌خوانید:

۱. پنج فضیلت آسمانی ائمه در صلوات شعبانیه

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكَ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ، يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا، وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ،
وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ، وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ.»

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و معدن دانش و خانواده وحی.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، کشتی روان در اقیانوس‌های عمیق، هرکه به آن توسل جوید ایمنی یابد و هرکه آن را رها کند غرق شود، پیش افتاده از آن‌ها از آن‌ها از دین خارج است و عقب مانده از آنان نابود است و همراه آنان ملحق به حق است.

فراز اولیه این روایت در تعبیر پیامبر و سایر اهل بیت وحی به صورت‌های مختلف بیان شده است؛ از جمله آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بود «إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَشَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ.» یا امام باقر به نقل از امیر مؤمنان فرمود «إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَبَيْتُ الرَّحْمَةِ وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ.» یا آن حضرت در دیگر روایت اشاره دارند «نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَبَيْتُ الرَّحْمَةِ وَ مَفَاتِيحُ الْحِكْمَةِ وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ.»

این تشابهات در وهله اول حداقل نشان‌دهنده اتقان این فراز از صلوات شعبانیه است و در وهله بعد تأکیدی است بر فضائل آسمانی اهل بیت وحی تا همگان بدانند:

۱. پیامبر و اهل بیت وحی از شجره طیبه‌ی نبوت و دارای ریشه‌ای پاک هستند.
۲. محل اصلی امر رسالت در بیت نورانی عترت است.
۳. ملائک در آسمان وجود آن بزرگواران در تردد و مطیع اوامر ایشان هستند؛ همچنان که نقل است برای نگارش مصحف فاطمه سلام الله علیها جبرئیل علیه السلام خدمت آن بانوی بزرگوار می‌رسید یا به صورت عمومی، الروح و ملائک در هر شب قدر خدمت امام همان عصر می‌رسیدند تا امور را در اختیار ایشان قرار دهند.
۴. تمام علوم به اذن خدا در فضای وجود آن بزرگواران به ودیعه گذاشته شده است و هر آن که بخواهد به علمی دست یابد، خواسته یا ناخواسته باید از معدنشان که اهل بیت‌اند برداشت کند.

۵. نهایت اینکه آن خاندان مطهر، زاده خانه وحی‌اند و یا در معنایی دیگر بیشترین اهلیت را نسبت به بیت وحی دارند و هیچ مخلوقی به پای فضیلت ایشان نمی‌رسد.

۲. کشتی نجات

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ، يَأْمَنُ مِنْ رَكِبَهَا، وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا، الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ»

یعنی خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، کشتی روان در اقیانوس‌های عمیق، هرکه به آن توسل جوید ایمنی یابد و هرکه آن را رها کند غرق شود، پیش‌افتاده از آن‌ها از دین خارج است و عقب‌مانده از آنان نابود است و همراه آنان ملحق به حق است.

در این فراز، این انوار مقدس همچون کشتی نجات در موج‌های سهمگین هستند که هرکس به آن متمسک شود، نجات می‌یابد و هرکس از آن بازماند، غرق خواهد شد و هرکه با آنها همراهی کند، به حق محقق شود، با این مثال درمی‌یابیم که اهل بیت وحی سکان‌داران شیعیان برای عبورشان از امواج سهمگین دنیا به سوی ساحل نجاتند، در این راستا شیعیان از مسافران این کشتی‌اند و باید تابع سکان‌دار خویش باشند. جالب است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی که نزدیک به مضمون این فراز از صلوات شعبانیه است، فرمود «إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»؛ یعنی اهل بیتم میان اتمم مانند کشتی نوح میان قومش هستند که هرکه سوار شد، نجات یافت و هرکه از آن روی گرداند، غرق شد. (کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج ۲، ص)

نکته دیگر اینکه این فراز از صلوات شعبانیه ما را به مرور قصه نوح نبی علیه السلام هدایت می‌کند. در این داستان، کشتی نوح که متشکل از یک‌سری تخته چوب و ریسمان‌های سست بود، به‌صورتی اعجاب‌انگیز و البته تحت نظارت الهی، میان آن طوفان دریای حیرت‌انگیز قرار می‌گیرد و بدون هیچ‌گونه آسیبی به ساحل نجات می‌رسد؛ ضمن آنکه به تعبیر قرآن، ارتفاع امواج آن به اندازه یک قله کوه بود، از این جهت همراهی با هادیان الهی که در رأس آنها اهل بیت وحی قرار دارند، مساوی با عبور از امواج پرخطر دنیا و رسیدن به ساحل نجات و فلاح و رستگاری است.

۳. راه نجات از امواج سهمناک دنیا

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكَ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ بِأَمْنٍ مِنْ رَكِبَهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ»

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، کشتی روان در اقیانوس‌های عمیق هرکه به آن توسّل جوید ایمنی یابد و هرکه آن را رها کند غرق شود، پیش افتاده از آن‌ها از دین خارج است و عقب مانده از آنان نابود است و همراه آنان ملحق به حق است.

امام سجاد علیه‌السلام در این فراز، محمد و آل محمد (ص) را به کشتی جاری در اقیانوس‌های عمیق مثال می‌زند که هرکس بر این کشتی سوار شود، ایمنی یابد و هرکه آن را ترک کند، غرق می‌شود؛ همچنان که در احادیث متعددی به وجه «کشتی نجاتی» اهل بیت وحی اشاره شده است؛ به عنوان نمونه در حدیث نبوی صلی الله علیه و اله داریم «إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» یعنی مثل اهل بیتم در امتم، مانند کشتی نوح علیه‌السلام در قومش است؛ هرکه سوار آن شود، نجات می‌یابد و هرکه از آن جا بماند، غرق می‌شود.

یا امام حسین علیه‌السلام در سخنانی با استناد به خطبه‌ای از امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود «... فَتَحْنُ أَنْوَارُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ وَمَحْضُ خَالِصِ الْمَوْجُودَاتِ وَسُفُنُ النَّجَاةِ وَفِينَا مَكْنُونُ الْعِلْمِ وَإِلَيْنَا مَصِيرُ الْأُمُورِ» ما انوار زمین و آسمان‌ها و خلاصه تمام پدیده‌ها و کشتی‌های نجاتیم. در ماست علم نهانی و امور بسوی ما باز می‌گردد. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ص ۳۰۰)

در دیگر روایت امام صادق علیه‌السلام ضمن روایتی در پاسخ به سؤال یکی از صحابه مبنی بر اینکه مگر همه شما کشتی نجات نیستید، پس چرا به امام حسین علیه‌السلام می‌گویید «سَفِينَةُ النَّجَاةِ»؟ فرمود «كُلُّنَا سُفُنُ النَّجَاةِ وَلَكِنْ سَفِينَةُ جَدِّي الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَفِي لُجَجِ الْبَحَارِ أَسْرَعُ» همه ما اهل بیت کشتی‌های نجاتیم، اما کشتی جدم حسین علیه‌السلام وسیع‌تر و در عبور از امواج سهمگین دریاها سریع‌تر است. (بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۲۲)

تمام این روایات بیانگر آن است که انسان‌های مؤمن در این امواج پر تلاطم و سراسر فتنه و بلای دنیا، تنها راه نجات‌شان، سوار شدن در کشتی نجات اهل بیت علیهم‌السلام است که با ملازمت، تبعیت از خواست و سیره ایشان حاصل می‌شود؛ لذا فرمود «وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ» یعنی هرکه همراه آنان باشد ملحق به آنها خواهد شد. در واقع اهل بیت

وحی علیهم السلام به مثابه ناخدایان و کشتی بانان عالم هستند که کشتی آنها به وسعت تمام پاک‌طینتان عالم گنجایش دارد. ماجرای اربعین حسینی نمونه عینی این وجه از اهل بیت علیهم السلام است. در این رویداد شاهد بودیم که چگونه حجم بالایی از انسان‌ها سوار بر کشتی نجات حسین علیه السلام مقید به عالی‌ترین ارزش‌های انسانی شدند. اکثر زائران با وجود تمام تهدیدهایی که پیش روی ایشان بود، احساس امنیت می‌کردند و با بهترین حس و حال، بسوی انوار مقدس امام حسین علیه السلام رهسپار می‌شدند.

۴. چهار ویژگی اهل بیت برای نجات انسان‌ها از مهلکه‌های دنیا

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ»؛
یعنی خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، پناهگاه محکم و فریادرس بیچارگان درمانده و پناه
گریختگان و دستاویز استوار برای چنگ‌اندازان.

در عبارت اول این فراز اهل بیت علیهم السلام با تعبیر "کَهِفِ حَصِين" یاد شده‌اند، کَهِف در لغت به معنای غار و پناهگاه است، این مفهوم دارای ریشه‌ای قرآنی و برگرفته از داستان "اصحاب کَهِف" است. عبارت "حَصِين" به معنای استواری و استحکام بالا و صفت مشبَّه است و زمانی که به اسم مکانی تعلق می‌گیرد، به معنای جای محکم و استوار به کار می‌رود؛ بنابراین "کَهِفِ حَصِين" یعنی کوهی بسیار استوار است که برای فرد حصن و امنیت فراهم می‌کند.

در عبارت دوم این فراز، ائمه با عنوان «غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ» یاد شده‌اند، غِيَاث از عَوْث به معنای یاری کننده است، مُضْطَرُّ هم به معنای فردی است که به شدت در اضطراب افتاده است و مستکین از مصدر اسْتَكَانَ و به معنای فروتن و خوار است؛ همچنان که در آیه ۷۶ سوره مؤمنون می‌خوانیم «فَمَا اسْتَكَانُوا لِربِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ» یعنی به پروردگارشان منقاد و خاضع نشدند و ناله نکردند، با این تعریف، اهل بیت علیهم السلام یاری کننده افرادی هستند که از شدت اضطراب دچار شکستگی و زبونی شده‌اند.

در عبارت بعدی اهل عترت را با عنوان «مَلْجَأِ الْهَارِبِينَ» یاد می‌کنیم، مَلْجَأ یعنی پناهگاهی که افراد به واسطه سختی‌ها و مصائب به آنجا پناه می‌برند. «لاجی» در ادبیات روز عرب به فردی می‌گویند که از کشور خود به علل سیاسی و غیره می‌گریزد و به کشور دیگری پناهنده می‌شود. (فرهنگ ابجدی، ص ۱۲۳)، هارب به معنای فرد گریزان است، در ادبیات عرب، وقتی می‌گویند "هرب الرجل" یعنی فردی که با ترس و لرز یا بدون ترس کوشید و فرار کرد و از آن سرزمین دور شد، می‌توان نتیجه گرفت «مَلْجَأِ الْهَارِبِينَ» یعنی ائمه علیهم السلام پناهگاه و ملجأ شیعیان و محبانی هستند که از شدت مصائب و یا پستی‌های دنیا به حریم مقدس ایشان پناهنده شدند.

در فراز آخر، اهل بیت در جایگاه «عِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ» هستند. عصمت از ریشه "عَصَم" به معنای حفظ و نگهداری است، اعتصام از همین ریشه مشتق شده که به معنای درآویختن و دست‌یازیدن است؛ بنابراین عصمت معتصمین یعنی ائمه، نگه‌دارنده آن دسته از مؤمنینی هستند که به ریسمان ایشان چنگ زدند.

۵. دو اثر صلوات خداوند بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًا، وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»؛ یعنی خدایا، بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست، درود بسیار که آن درود موجب رضایت آنها و ادای حق آنها بر ما باشد؛ به حول و قوه تو ای پروردگار عالمیان.

دو نکته در این فراز از دعا دیده می‌شود:

از خداوند می‌خواهیم چنان صلواتی بر محمد و آل محمد بفرستد که ۱. سبب رضایت ایشان شود ۲. سبب ادای حق ایشان شود.

از دو منظر می‌توان به این فراز نگاه کرد:

منظر اول اینکه خود خداوند برترین وجود برای تحقق رضایت پیامبر و عترت و نیز برترین اداکننده حق آن انوار مقدس است، همچنان که تنها پیامبری که خداوند برای جلب رضایت او اقدام کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. این موضوع را حداقل در یک آیه قرآن به صورت مستقیم مشاهده می‌کنیم، آنجا که فرمود «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»؛ یعنی خداوند به زودی به تو عطایی می‌کند تا راضی شوی. لحن بیان خداوند در این آیه حکایت از مقام عظیم رسول خدا دارد، مقامی که کمتر به آن پرداخته شده است. جالب است که در چند سوره بعد یعنی سوره کوثر، خداوند درباره یکی از بروزات تحقق وعده خویش به رسول خویش صحبت کرده، می‌فرماید «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ».

اما درباره ادای حق ایشان، باید گفت آنچه که سبب ادای حق کامل پیامبر و اهل بیت وحی می‌شود، خلافت و امامت بلافصل ایشان در عصر ظهور است. این حقیقت را در روایات به اشکال مختلف می‌بینیم. از جمله آنکه امام حسین علیه السلام در قضایای درخواست یزید برای بیعت خطاب به ولید بن عتبه فرمود «وَلَكِنْ نُصِیحُ وَتُصِیحُونَ وَنَنْتَظِرُ وَتَنْتَظِرُونَ إِنَّا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ وَالْبَيْعَةِ»؛ یعنی ما و شما صبح می‌کنیم (کنایه از صبح ظهور) و ما منتظریم، شما هم در انتظار باشید تا ببینیم کدام یک از ما، استحقاق خلافت و بیعت را داریم.

منظر دوم، رفتار شیعیان در راستای جلب رضایت پیامبر و خاندان عترت و ادای حق ایشان است. از آنجا که خداوند اطاعت از عترت را در طول اطاعت از خویش قرار داده است، جلب رضایت عترت در راستای جلب

رضایت عترت هم است؛ رضایتی که در نهایت منجر به ادای حقوق آن انوار مقدس شود. یکی از این حقوق، حق معرفت به اهل بیت است. در احادیث متعددی، حق معرفت ائمه را از واجبات مسلم نسبت به ایشان می‌بینیم. یکی دیگر از حقوق ما بر اهل بیت علیهم‌السلام حق مودت است. در آیه ۲۳ سوره شوری می‌فرماید «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ در این آیه خداوند اجر رسالت پیامبر را در ادای مودت نسبت به عترت معرفی می‌کند. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم «وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ».

۶. حق اهل بیت چیست و چرا واجب است؟

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ حُقُوقُهُمْ وَفَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَوَلَّيْتَهُمْ»؛ یعنی خدایا، بر محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله صلوات فرست، آن پاکان و نیکان و خوبان که حقوقشان را بر همه واجب کردی و پیروی ولایتشان را بر همگان فرض کردی.

امام سجاد علیه السلام در این فراز از دعا در واقع دو حقی را که مردم نسبت به امام بر گردن دارند، بیان می کند؛ اول اینکه خداوند حقوق عترت را واجب کرده است. دوم اینکه طاعت و ولایت عترت را فرض و واجب قرار داد. نکته ای که باید در این فراز بر آن توجه داشت، شناخت حقوق پیامبر و اهل بیت وحی صلوات الله علیهم است؛ پس مقدمه ادای حقوق این انوار مقدس، شناخت حقوق ایشان است، وقتی شناخت نباشد، ادای حق ممکن نیست.

حقوق اهل بیت

یکی از حقوقی که خداوند بر ما نسبت به عترت فرض کرده است، مودت است؛ خداوند در آیه ۲۳ سوره شوری می فرماید «...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ یعنی یا رسول الله، بگو من از شما اجر (رسالت) نمی خواهم جز اینکه نسبت به خویشانانم (عترت) مودت بورزید. مودت هم فراتر از محبت است؛ در یک تعریف کلی، حبّ آرمانی، مودت نامیده می شود؛ حبی که همراه با عمل باشد که یک جلوه عالی آن، تبعیت است.

دومین مورد از حقوقی که نسبت به امام معصوم می توان فرض گرفت، مقدم داشتن فرامین و اوامر ایشان بر خواسته های فردی و اجتماعی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام ... فَقَدَّمُوهُمْ وَلَا تَتَقَدَّمُوا عَلَيْهِمْ، فَإِنَّهُمْ أَحْلَمُكُمْ صِغَارًا وَأَعْلَمُكُمْ كِبَارًا، فَاتَّبِعُوهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْخِلُونَكُمْ فِي ضَلَالٍ وَلَا يُخْرِجُونَكُمْ مِنْ هُدًى»؛ یعنی «خدای متعال ذریه هر پیامبری را از پشت خود او قرار داده است، اما ذریه مرا از پشت علی بن ابی طالب ...، پس آنان را پیشرو قرار دهید و از ایشان جلو نرفتید؛ زیرا آنان در خردسالی، بردبارترین شما هستند و در بزرگی، داناترین تان، بنابراین، از آنها پیروی کنید؛ چرا که ایشان شما را به گمراهی نمی کشانند و از راه راست بیرونتان نمی برند.» (الروضة فی فضائل أمير المؤمنين عليه السلام (ابن شاذان قمی) ص ۱۷۹) این مضمون روایت نبوی را در فرازی از همین صلوات شعبانیه به این شکل می خوانیم «الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ، وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ؛ پیش افتاده از آنها از دین خارج است و عقب مانده از آنان نابود است و همراه آنان ملحق به حق است.»

آنچه در این فراز از سخنان نبی مکرم صلی الله علیه و آله دیده می‌شود، تقدم داشتن اهل بیت علیهم السلام نسبت به هواهای نفسانی و بیان علت این امر است. آن حضرت تأکید دارند «زیرا آنان در خردسالی، بردبارترین شما هستند و در بزرگی، داناترین تان» و تأکید دارند «از ایشان تبعیت کنید، چرا که «شما را به گمراهی نمی‌کشاند و از راه راست بیرونتان نمی‌برند.»

چرا حق اهل بیت واجب است

بنابراین درباره علت اینکه چرا حقوق عترت بر همگان فرض و واجب دانسته شده است، چند گزاره را می‌توان بیان کرد: اول اینکه برگزیدگان الهی که در رأس ایشان اهل بیت وحی قرار دارند، جز خواست و منویات خداوند را بیان نمی‌کنند و در اصل، مجرای خدایی خداوند در عالم هستند، از این جهت ادای حقوق ایشان همان ادای حق خداوند و اطاعت از آن بزرگواران، اطاعت از خداوند است؛ در آیه ۸۰ سوره نساء می‌خوانیم «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...»؛ یعنی هر که رسول الله را اطاعت کند، قطعاً خدا را اطاعت کرده است. مضاف بر اینکه طبق قرآن، خداوند اراده کرده است این خاندان را پاک و مطهر قرار دهد؛ لذا پیروی از کسانی که از هر رجسی پاکند و در عین حال دارای علمی الهی‌اند، پشتوانه عقلی و فطری دارد؛ از این جهت است که امام سجاد علیه السلام قبل از اینکه به مسئله وجوب حق عترت بپردازند، می‌فرماید «الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ»؛ یعنی آنها پاکان، ابرار و برگزیدگان الهی هستند.

دومین علت درباره علت واجب بودن حقوق عترت، جلوگیری از اختلاف و فساد است. پرواضح است که مهم‌ترین عامل انحراف در ملت‌ها و امت‌ها، عدم تبعیت از خوبانی است که خداوند آنها را بر ملت‌ها برگزیده است؛ لذا در صدر اسلام به دنبال تضييع حق امامت و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام از سوی سردمداران اسلام، جامعه به سرعت به سوی عمق رذالت پیش رفت و فرقه‌های متعددی در بدنه دین شکل گرفت، از این جهت حضرت زهرا علیها السلام در همان زمان‌ها که حق خلافت و امامت امیر مؤمنان غصب شد، طی خطبه‌ای فرمود «... طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ»؛ یعنی اطاعت ما مایه نظام ملت و امامت ما ایمنی از اختلاف و فرقه فرقه شدن است. (دلایل الامامه شیخ مفید، ص ۱۱۳) امام رضا علیه السلام در سخنانی به صورت مبسوط‌تر به این موضوع اشاره کرده، فرمود:

«... پس اگر بگویند که چرا خلق به اقرار به خدا و به فرستادگان خدا و به حجت‌های خدا و آنچه از خدا رسیده است، مأمور شدند، باید جواب گفته شود که به جهت علت‌های بیشمار است؛ بعضی از آنها این است که کسی که به خدا و به فرستادگان او و به حجت‌های او و به آنچه از نزد او رسیده است، اقرار نکند، معصیت‌های او را

اجتناب نکرده و قبول نهی از ارتکاب گناهان کبیره او نکرده و از عذاب خدا نترسیده و در آنچه شهوات او اقتضا کرده است و از ظلم و فساد لذت برده است و چون مردم مرتکب این گونه افعال شوند و هر انسانی متحمل شود آنچه میل کند و متابعت هوای نفس کند، بدون ترس از احدی در این کردار ایشان فساد تمامی خلق و باختن بعضی ایشان بر بعضی دیگر است؛ پس فروج را غصب کنند و خونریزی و مال مردم و اسیر کردن عیال مردم را مباح دانند و بعضی ایشان بعضی دیگر را بدون حق و جرمی به قتل رسانند پس خرابی دنیا و هلاکت خلق و فساد دین مردم بر آن مترتب شود.» (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲ ص ۹۹)

سوم اینکه در یک لایه بالاتر، هر انسانی که بخواهد مسیر رشد و معنویت را طی کند، باید از مسیری که پیامبر و عترت تعیین کردند، عبور کند که مقدمه آن، معرفت به حق آن انوار مقدس است. بدون کسب رضایت امام منصوب از جانب خداوند، مسیر رشد بر همگان بسته است؛ از این جهت در فرازی از دعای ندبه این گونه از خداوند درخواست داریم که «... وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ؛ خداوندا...، ما را در راه ادای حقوق او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه)، تلاش در تبعیت از او و دوری از مخالفت او یاری کن و با خشنودی او بر ما منت گذار.»، یا امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْضَحَ بِأُتَمَّةِ الْهُدَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّنَا عَنْ دِينِهِ وَأَبْلَجَ بِهِمْ عَنْ سَبِيلِ مِنْهَا جِهَةٍ وَفَتَحَ بِهِمْ عَنْ بَاطِنِ يَنَابِيعِ عِلْمِهِ فَمَنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدًا وَاجِبَ حَقِّ إِمَامِهِ وَجَدَ طَعْمَ حَلَاوَةِ إِيْمَانِهِ وَعَلِمَ فَضْلَ طُلَاوَةِ إِسْلَامِهِ»؛ یعنی خداوند عزوجل به وسیله امامان هدایت از خاندان پیامبر ما، دینش را آشکار و به وسیله ایشان راهش را روشن کرد و به واسطه آنان چشمه های پنهان دانش خود را گشود. پس، از امت محمد صلی الله علیه و آله و هرکس که حق واجب امامش را بشناسد، مزه ایمانش را بچشد و به ارزش دل پذیری اسلام خود پی برد.»

۷. راهکاری برای آبادانی قلب

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ، وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَارْزُقْنِي مُوَسَاةً مَن قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ؛ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ، وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ ...»؛ یعنی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و دلم را با طاعت آباد کن و به نافرمانی از خود رسوایم مساز و این امور را روزی من کن :حمایت از آن‌که رزق را بر او تنگ گرفتی؛ به مدد آنچه از احسانت بر من وسعت دادی و از عدلت بر من گستردی و مرا در سایه رحمت زنده داشتی.

در این فراز، رابطه مستقیمی بین طاعت خداوند با آبادانی و عمران قلب وجود دارد؛ به این معنا که هر فرد مؤمنی که خود را در مسیر اطاعت از دستورات الهی در راستای عبودیت او قرار دهد و به واجبات عمل و از محرمات اجتناب کند و با تبعیت از برگزیدگانش، خود را در مسیر جریان ولایت حق الهی قرار دهد، قلب او مستعد دریافت انوار ملکوتی و نیز مهیای رویش نهال ایمان می‌شود و به این ترتیب به سمت آبادانی سوق می‌یابد.

قلب، طبق آیات قرآن، مرکز ایمان است و نور ایمان از این گذرگاه است که به جنبه‌های پایین‌تر اثرگذاری می‌کند. از این جهت ایمان، قلب و عمل، زنجیره‌هایی متصل به هم هستند که از ارتفاعات ملکوت آغاز می‌شود، به جنبه روحی یا قلبی می‌رسد و پس از آن، به جنبه‌های دنیایی برای عمل با ارکان می‌رسد. در این بین، جنبه روحی انسان است که مرکز فرماندهی و حرکت انسان را بر عهده دارد؛ از این جهت اعمال هر فرد در گروی قلبیات یا روحيات اوست. بنابراین آبادانی قلب مساوی با آبادانی اعمال است که با طاعت خداوند شکل می‌گیرد.

در مقابل آن، معصیت الهی است که اثر وضعی آن، خواری در دنیا و آخرت است، لذا در این دعا از خداوند می‌خواهیم «وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ» خزی به معنای خواری است، اصل آن، ذلّتی است که شرمساری می‌آورد؛ خداوند در قرآن درباره گروهی از ظالمان می‌فرماید «... لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره ۱۱۴) یعنی برای آنهاست در دنیا خواری مخصوص و در آخرت عذابی بزرگ. امیر مؤمنان ضمن خطبه‌ای در دعایی فرمود «وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا نَادِمِينَ»؛ یعنی خدایا مرا در زمره کسانی که خوار و پشیمان نمی‌شوند محشور کن.

اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم